

روز جهانی کارگر، دست رد کارگران بر سینه رفسنجانی رانت خوار

لیلا جدیدی
در ایران و تحت حاکمیت رژیم ولایت فقیه، امسال کارگران این روز را به روز اعتراض علیه سیاستهای ضد کارگری، تشکلهای فرمایشی و کارگزاران مزدور رژیم تبدیل کردند. رژیم ملاها با پایمالی حقوق کارگران، وجهی دیگر از نقض حقوق بشر را به نمایش گذاشته و با محروم نمودن آنان از امنیت شغلی، حق داشتن کار، بیمه های اجتماعی و ... کرامت انسانی آنان را خدشه دار کرده است هم از این روست که کارگران با شعار و پلاکاردهایی نظیر "این برده داری است"، در این روز به صحنه آمدند. رژیم تا آنجا که می توانست بر سر راه کارگران، برای برگزاری آزادانه مراسم روز کارگر، مانع ایجاد کرد؛ از عدم صدور مجوز راهپیمایی گرفته تا تلاش برای منحرف کردن اعتراضات آنها و گسیل نیروهای سرکوب گر و غیره. با این حال، کارگران که دست ملاها برایشان مدتهاست رو شده، به اعتراض خود ادامه داده و مزدوران و نمایندگان فرمایشی کارگران را رسوا کردند. زدن مشت محکم رد به سینه رفسنجانی، از جمله حرکات اعتراضی کارگران بود که تنها دلیل جشن گرفتن در این روز را به کارگران می دهد. کارگرانی که در "پنجمین کنگره کارگران" شرکت کرده بودند، با سردادن فریاد اعتراض و ترک محل، نفرت خود را نسبت به حضور مهمان ناخوانده و برنامه های بی ربط نشان دادند. در حالی که درصد بالایی از ابزار تولید در دست حکومت ملاها قرار دارد و عوامل آن صاحبان آن را تشکیل می دهند، حکومتیها خود به بزرگترین سرمایه دار و کارفرما تبدیل گشته اند. بدیهی است که آنان هرگز حاضر نخواهند شد ذره ای از منافع خود به نفع کارگران چشم پوشی کنند. این حکومت استبدادی و ضد حقوق بشری باید سرنگون شود و بنایی نو پی افکنده شود تا کارگران بتوانند به حقوق خویش دست یابند. مبارزات و اعتراضات کارگران در سالی که در پیش رو است باید با اعتراضات و مبارزات دیگر اقشار محروم و زحمتکش جامعه، پیوند بیشتر خورده و مستقل از تشکلهای حکومتی به پیش برده شود. ۱۲ اردیبهشت ۸۴

انفجار از این نوعش همیشه در کمین است

زینت میرهاشمی
یوسف عزیزی بنی طرف، عضو کانون نویسندگان و نویسنده ایرانی عرب، روز دوشنبه در خانه اش توسط ماموران رژیم دستگیر شد. وی در جریان شورشهای اخیر خوزستان مصاحبه ای با رادیو فردا داشت. وی در مصاحبه اش ریشه های تشنه های اخیر در خوزستان را به ستم ملی مربوط دانسته و گفته بود که «عاملان گفتمان عرب ستیز و شدیداً ناسیونالیست در میان مقامات حضور دارند.» وی نیز در رابطه با فقر مردم این منطقه در همین مصاحبه اش گفت که: «۸۰٪ در صد کودکان دشت آزادگان که بر دریای نفت زندگی می کنند از سوء تغذیه رنج می برند.» نیازی رئیس سازمان بازرسی جمهوری اسلامی روز دوشنبه در رابطه با شورش مردم خوزستان، در همنوایی با دیگر پایوران رژیم، توطئه را بر شورش ضد حکومتی چسباند. از دیگاه پایوران نظام، هر حرکتی که در مخالفت با این رژیم صورت گیرد، بوی توطئه می دهد. نیازی این توطئه را در رابطه با ۲۷ خرداد، روز انتخابات آخوندها دانسته است. وی در ادامه تحلیلهای توطئه گرانه اش می گوید: «این آخرین مسأله نیست.» وی و شریکانش در قدرت که با سرکوب و ستم برای حفظ نظامشان تلاش می کنند، این امر را خوب فهمیده اند که این «آخرین نیست.» مطمئناً تا روزی که این رژیم سرکوبگر بر سر کار است، حوادثی مانند قیام اهواز اتفاق خواهد افتاد. این نوع شورشها دقیقاً به ستمی که بر آنها اعمال می شود ارتباط مستقیم دارد. احتیاج نیست که کارگزاران و محققان رژیم، دنبال توطئه و کسی که این شورش را ایجاد کرده است بگردند. عامل اصلی آن خود جمهوری اسلامی است که توطئه گر اصلی علیه منافع مردم ایران است. ۶ اردیبهشت ۸۴

شاهروندی از جنایات قوه تحت امرش آگاه شده است

جعفر پویه
آخوند هاشمی شاهروندی، تیولدار قوه قضاییه نظام ولایت فقیه، روز چهارشنبه ۱۴ اردیبهشت طی یک سخنرانی به انتقاد از زیر مجموعه خود پرداخت و سپس با صدور بخشنامه ای، این انتقادات را به طور کتبی به دست اندرکاران بی عدالتخانه خود ابلاغ کرد. او که انگار خوابنا شده و یا به تازگی از اخبار جنایات قوه قضاییه باخبر شده، آنان را از ادامه شیوه جاری منع کرده و به ظاهر خود را مخالف رویه آنها جا می زند. قوه قضاییه که در زمان تصدی شاهروندی به "قوه قضاییه" ملقب شده، آنچنان سبوعیتی در انجام وظایف محوله از خود نشان می دهد که به گفته رییس اش، از جنایتکاران زندان ابوغریب نیز گوی سبقت را ربوده است. اما آیا در گفته های شاهروندی رگه هایی هرچند کوچک از صداقت وجود دارد؟ نگاهی کوتاه به اعمالی که ضابطین قضایی، یعنی وزارت اطلاعات، نیروی انتظامی و ... در سالهای اخیر انجام داده اند، گواه این است که شاهروندی از همه آنان آگاه بوده و عملن با انجام آنها موافق بوده است. چگونه می شود اداره اماکن نیروی انتظامی شاعران و نویسندگان و فعالان مطبوعاتی را به زیر زمینی بکشاند و با تهدید و ارباب آنان را وادار به سکوت و یا اعمال خلاف میل خودشان نماید و رییس قوه قضاییه از آن بی خبر باشد؟ و این در

شهادای فدایی خرداد ماه

رفقا: حسن نیک داوری - امیرپرویز پویان - نادر شایگان شام اسبی - اسکندر صادقی نژاد - رحمت الله پیرو نذیری - بهروز دهقانی - حسن مصومی همدانی - علیرضا شهباب رضوی - حبیب برداران خسروشاهی - مریم شاهی - خسرو تره گل - حسین سلاخی - مینا طالب زاده شوشتری - علیرضا رحیمی علی آبادی - حسین موسوی دوست موجالی - رفعت معماران بناب - سلیمان پیوسته حاجی محله - نعمت با شعور - سعید سلطان پور - ماریا کاظمی - اسماعیل هادیان - منصور فرسا - مهدی پهلوان - شهرام میرانی (در هند) - محمدرضا محمدیان باباعلی (کاک رشید) - حمید امیر میرشکاری - ولی سوسنی - منوچهر ویسی - جعفر قنبرنژاد - مهنوش آذربون - شاپور جلیلی - جواد باقری، طی سالهای ۴۹ تاکنون در مبارزه مسلحانه با مزدوران امپریالیسم و ارتجاع و یا در زندانهای دژخیمان ستمگر شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

حالی است که اخبار این اعمال ضد انسانی، در سراسر دنیا پخش شده است. چگونه می شود روز روشن، دانشجویان و فعالان دانشجویی را آنچنان به باد کتک گرفت که چشمشان از حدقه در آید و در یک دادگاه نمایشی مجریان چنین اعمالی تبرئه شوند و هاشمی شاهروندی در جریان نباشند؟ آیا می شود کودکی را پس از تجاوز، در ملاء عام اعدام کرد و رییس قوه قضاییه آنرا نشنود؟ می شود هر چهار راه را به محل شلاق زدن و اعدام تبدیل کرد و می شود کسانی که میلیاردها تومان از اموال عمومی اختلاس کرده اند را تبرئه کرد و ... رییس قوه قضاییه از آن آگاه نباشد؟ پس چگونه است که شاهروندی به تازه گی از خواب خرگوشی بیدار شده و دستورالعملی برای رعایت کرامت انسانی در زباله دانی تحت امرش صادر می کند؟ او در بند یک بخشنامه صادره کلیه امور بازجویی و تحقیقات را وظایف دادستان اعلام می کند، با این حساب واگذار کردن امر بازجویی و شکنجه به دادستان و باز گذاشتن دست او برای انجام آن، توجیه کننده قتل خانم زیبا کاظمی در زیر شکنجه توسط دادستان تهران سعید مرتضوی است. که با اینکار شاهروندی گرگ را چوپان می کند. بالا گرفتن دامنه اعتراضات مردم و ترس از تحریم انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری، هاشمی شاهروندی را وادار به یک چنین مانوری کرده است. ۱۶ اردیبهشت ۸۴